

درباره‌ی ترامپ و ایران

سخنرانی برای جمعی از رفقای

سوسیالیست انقلابی

تألیف و ترجمه: رامین جوان

متن حاضر نسخه‌ی ویراسته و ترجمه شده‌ی گفتاری به‌زبان آلمانی (توسط رفیق رامین جوان در جمعه ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۹)

است که عنوان آن «ایران و ترامپ» بود. این سخنرانی که بنا به‌خواست جمعی از رفقای

سوسیالیست انقلابی غیرایرانی ایراد گردید، توسط رفیق رامین تدوین و ترجمه شده است.

دوشنبه‌ی گذشته دونالد ترامپ (سردسته‌ی پاندازان سرمایه‌داری جهانی) و وزیر خزانهداری‌اش (استیون منوچین)، تحریم‌هایی به‌ادعای خود «سخت» و «بسیار مؤثر» علیه ایران را اعلام کردند. این تحریم‌ها پس از سرنگون کردن یک پهپاد جاسوسی پیشرفته‌ی آمریکا بر فراز تنگه‌ی استراتژیک هرمز توسط ایران اعلام شدند. اجرایی کردن این دسته از تحریم‌ها پس از آن انجام شد که به‌گفته‌ی خود ترامپ، وی یک حمله‌ی هوایی به‌سایت‌های راداری و موشکی ایران را تنها ۱۰ دقیقه قبل از پرتاب موشک‌ها و درحالی که جنگه‌های آمریکایی در آسمان بودند، متوقف کرده است. درحالی که ترامپ ادعا می‌کند که علت متوقف کردن حمله، تعداد کشته‌های احتمالی آن بود، به‌روشنی می‌توان برآورد کرد که نگرانی اصلی او واکنش نظامی ایران بوده است.

شواهد فراوانی حاکی از این است که واکنش ایران به‌چنین حمله‌ای می‌توانست تلفات سنگینی بر نیروهای آمریکایی و متحدان ابرارتجاعی‌اش در خلیج فارس وارد کند و چه‌بسا به‌سرعت به‌یک درگیری نظامی تمام‌عیار در سراسر منطقه و حتی به‌درگیری‌های سیاسی-اقتصادی جهانی نیز منجر شود. اگرچه تحریم‌های جدید از پیش برنامه‌ریزی شده بودند، اما از دید من امضای آن‌ها توسط ترامپ در کاخ سفید در روز دوشنبه سوم تیرماه (۲۳ ژوئن) صرفاً جنبه‌ی نمادین داشت. دولت آمریکا رهبر رژیم اسلامی سرمایه‌داری، علی‌خامنه‌ای و منصوبان وی را تحریم کرد، به‌طوری که آن‌ها امکان استفاده از سیستم مالی آمریکا یا دسترسی به‌دارایی‌های مالی ایران در آمریکا را (که به‌بیش از دو میلیارد دلار تخمین زده می‌شود)، نخواهند داشت. همچنین دولت آمریکا اعلام کرد که محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران نیز به‌این لیست اضافه خواهد شد. این اقدام تحریک‌کننده و درعین‌حال بسیار مسخره‌ای است؛ چراکه (حداقل روی کاغذ) هرکشوری که میزبان عالی‌ترین مقام سیاست خارجی ایران باشد، مشمول تحریم‌های ثانویه خواهد شد.

ترامپ ادعا کرد که تصمیم به‌اعلام یک دور جدید از تحریم‌ها، در عوض بمباران اهداف مشخص، نشان‌دهنده‌ی «خویشن‌داری گسترده‌ی آمریکا» است. وی افزود «البته این بدان معنی نیست که در آینده نیز این‌طور رفتار خواهیم کرد». این سخنان پس از آن مطرح می‌شود که ترامپ روز قبل در مصاحبه‌ای با NBC News نیوز گفته بود که اگر آمریکا با ایران وارد جنگ شود، «نتیجه‌ی آن محو این کشور خواهد بود، به‌شکلی که تا به‌حال دیده نشده» است.

رژیم حاکم بر ایران حداقل در ظاهر امر به‌تحریم‌های اخیر توجه چندانی از خود نشان نداد. به‌گفته‌ی عباس موسوی، سخن‌گوی وزارت خارجه در یک کنفرانس خبری در تهران، کاملاً مشهود است که «این تحریم‌ها اثری ندارند. آیا در عمل تحریمی باقی مانده که آمریکا در طول ۴۰ سال گذشته بر علیه کشور ما اعمال نکرده باشد»؟

به‌هرحال، واقعیت این است که سیاست تحریم‌های همه‌جانبه‌ی امپریالیسم که در ماه مه ۲۰۱۸ و زمانی که ترامپ به‌صورت یک‌جانبه از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (بین ایران، آمریکا، چین، روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان - که در واقع، کاپیتالیسمون اسلامی بود)، خارج شد، مجدداً و با شدت بیش‌تری اجرایی شدند که دست کمی از شرایط جنگی علیه مردم ایران ندارند. با اجرای آن‌چه آمریکا «فشار حداکثری» می‌نامد، واشنگتن تلاش دارد صادرات انرژی ایران را که منبع اصلی درآمد این کشور است، به صفر برساند.

ماه گذشته، آمریکا معافیت واردکنندگان اصلی نفت ایران را پایان داد. به‌گزارش رویترز از منابع خود در صنعت انرژی، صادرات نفت خام ایران در این ماه به ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت که درصد بسیار اندکی از ۲.۵ میلیون بشکه‌ای است که این کشور در ماه آوریل ۲۰۱۸ و قبل از بازگشت تحریم‌ها، صادر می‌کرد. با این تحریم‌ها، روزانه میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر شاغل ایرانی شاهد از دست دادن درآمد و یا از میان رفتن شغل‌هایشان بوده‌اند.

واقعیت این است که تحریم‌ها نه تنها به‌تضعیف و فروپاشی این رژیم منجر خواهد شد، بلکه به‌تضعیف روحیه و کنش‌های پیکارجویانه‌ی مزدبگیران و فرودستان جامعه منجر خواهد شد؛ و آن‌ها را بیش از گذشته درگیر مشکلات روزمره‌ی زندگی و هزار بیماری روحی و جسمی خواهد کرد. این امری است که سرنگونی انقلابی رژیم را برای سالیان طولانی به‌عقب خواهد انداخت که از سوی دیگر، سبب تضعیف هرچه بیش‌تر گرایش‌ات چپ جامعه و باعث تقویت هرچه بیش‌تر نیروهای ضدکارگری و ضددموکراتیک پروامپریالیست و پروکاپیتالیست در ایستارهای گوناگون خواهد شد.

ریال (واحد پول ملی ایران) ۶۰ درصد از ارزش خود را از دست داده است، درحالی که نرخ تورم این کشور از ۹ درصد در ۲۰۱۷ به ۳۱ درصد در سال گذشته رسید. انتظار می‌رود نرخ تورم امسال به ۳۷ درصد افزایش پیدا کند. نتیجه این تغییرات، رشد سرسام‌آور قیمت اقلام ضروری و روزمره بوده است. براساس آمار خود رژیم، در مدت یک سال پس از بازگشت تحریم‌ها قیمت گوشت و مرغ تا ۵۷ درصد افزایش داشته است؛ شیر، پنیر و تخم مرغ ۳۷ درصد افزایش قیمت داشته‌اند؛ و افزایش قیمت سبزیجات ۴۷ درصد بوده است، ولی میزان افزایش قیمت‌ها در واقعیت بسیار بیش‌تر از این‌هاست.

نرخ رسمی بی‌کاری در میان جوانان تا ۲۷ درصد افزایش یافته و نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رده‌های گوناگون تا ۴۰ درصد افزایش داشته است. در این مورد نیز نرخ واقعی بی‌کاری بیش‌تر از این ارقام است، زیرا براساس روش آمارگیری خود رژیم ایران، شخصی که یک ساعت در هفته کار کند، شاغل محسوب می‌شود.

درحالی که (حداقل روی کاغذ)، دارو مشمول تحریم‌های آمریکا نیست، اقدامات تنبیهی موسوم به‌تحریم‌های حداکثری توسط واشنگتن باعث شده که صدها هزار ایرانی نیازمند به‌دارو، از دسترسی به‌داروهای مورد نیاز خود محروم شوند و در نتیجه بسیاری جان خود را از دست داده و خواهند داد. شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی و بین‌المللی مایل به‌انجام مبادله‌ی مالی با ایران نیستند، چراکه شرکت‌های دارویی نمی‌توانند از خدمات مالی برای فروش دارو به‌ایران استفاده کنند، و بیم آن دارند که با تحریم‌های ثانویه آمریکا روبرو شوند. درحالی که ایران بخش اعظم داروهای مورد نیاز خود را در داخل تولید می‌کند، مواد خام مورد نیاز برای تولید دارو بیش‌تر وارداتی است.

هم‌اکنون پنتاگون سرگرم تقویت نیروهای خود در خلیج فارس است و مقامات بلندپایه آمریکایی به‌خاورمیانه سفر کرده‌اند تا به‌گفته‌ی خودشان اتحاد ضدایرانی مورد حمایت آمریکا را تقویت کنند.

فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز چند روز پیش اعلام کرد که کشتی تهاجمی کلاس Wasp به‌نام USS Boxer با قابلیت جابه‌جایی نیروهای رزمی و تخلیه آن‌ها در خاک دشمن، با هزاران تفنگدار دریایی آمریکا، یک اسکادران هلیکوپترهای تهاجمی و هواپیمای تهاجمی AV-8B Harrier II وارد منطقه شده‌اند. این کشتی بخشی از گروه حمله‌ای است که کشتی USS John P. Murtha با

قابلیت برخاستن هلیکوپتر و تخلیه نیرو در خاک دشمن و همچنین کشتی USS Harper Ferry با امکان برخاستن هلیکوپتر را نیز شامل می‌شود. این گروه تهاجمی به‌ناوگروه آبراهام لینکلن و یک گروه بمب‌افکن‌های B52 با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، به ۲۵۰۰ سرباز آمریکایی‌ای می‌پیوند که در اوایل ماه مه و به‌بهانه‌ی دفاع از منافع آمریکا در برابر تهدیدات ایرانی‌ها وارد منطقه شدند.

درحالی‌که دولت ترامپ با افتخار از خویشن‌داری خود در مقابل سرنگون کردن یک پهپاد آمریکایی توسط دولت ایران سخن می‌گویند، به‌گزارش نیویورک تایمز و واشنگتن پست، به‌نقل از مقامات پنتاگون که نخواستند نام‌شان فاش شود، نوشتند که فرماندهی جنگ سایبری آمریکا حملاتی را با هدف غیرفعال کردن سیستم‌های راکتی و اختلال در سیستم اطلاعات ایران انجام داده است. ایران این ادعاهای آمریکایی‌ها را رد می‌کند و تأکید دارد که حملات آمریکایی‌ها بی‌نتیجه بوده است.

محمد جواد آذری جهرمی، وزیر تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات ایران، در توئیتر خود نوشت «آن‌ها به‌شدت تلاش کردند، اما حمله‌ی آن‌ها موفق نبود. سال گذشته ۳۳ میلیون حمله را با استفاده از فایروال (ملی) خود، بی‌اثر کردیم». نباید نادیده گرفت که همچون ونزوئلا، شدت گرفتن جنگ سایبری بین دو کشور می‌تواند نتایج فاجعه‌باری به‌همراه داشته باشد: از جمله از کار انداختن شبکه‌ی انتقال برق یا ذوب راکتورهای هسته‌ای که می‌تواند منجر به یک فاجعه‌ی تمام‌عیار عیار شود.

در این بین، دو مدافع جدی رژیم‌چنج، وزیر امور خارجه آمریکا (مایک پمپئو) و مشاور امنیت ملی (جان بولتون) در خاورمیانه بودند تا اقدامات خصمانه نسبت به‌مردم ایران را گسترش بخشند. پمپئو به‌عربستان و امارات رفت و مذاکرات خود با حاکمان این دو پادشاهی سنی‌وهابی و نفتی را ایجاد یک «اتحاد جهانی» نامید. این دو رژیم قبیله‌ای-پادشاهی در حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس با هدف زمین‌گیر کردن این رقیب منطقه‌ای خود- از مدافعان قدیمی جنگ آمریکا با ایران بوده و اینک نیز هستند. سفر پمپئو به‌ریاض یک هفته پس از انتشار گزارش سازمان ملل و درخواست اعمال تحریم علیه محمد بن سلمان، ولیعهد دست به‌اره‌ی عربستان بود. علت این درخواست هم نقش این وهابی‌سلفی آدم‌خوار در قتل بی‌رحمانه‌ی جمال خاشوقچی (روزنامه‌نگار معترض از طبقه‌ی حاکم عربستان- که ساکن آمریکا بود)، در سفارت عربستان در استانبول است. در این گزارش از مکالمات ضبط شده نیز یاد شده بود که در آن اعضای تیم قتل که توسط حکومت عربستان مأمور شده بودند، از خاشوقچی به‌عنوان «حیوان قربانی» یاد می‌کردند و در مورد چگونگی تکه‌تکه کردن بدن او تشریح مساعی داشتند. یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا گفت که قتل خاشوقچی، که یک مقاله‌نویس روزنامه‌ی واشنگتن پست بود، هرگز در مذاکرات بین پمپئو و بن‌سلمان مطرح نشد. این رفتار وزیر خارجه آمریکا مطابق بود با توجیه ترامپ در مورد علت عدم پرداختن به‌این مسئله در طول مکالمه‌ی تلفنی با ولیعهد عربستان. ترامپ در این رابطه گفت: «عربستان سعودی یک خریدار بزرگ محصولات ماست». او همچنین به‌قراردادهای چند میلیارد دلاری خرید اسلحه توسط عربستان اشاره کرد: «این قراردادها برای من اهمیت دارند».

در این میان، بولتون به‌اسرائیل رفت تا با بنیامین نتانیاهو یکی دیگر از مدافعان سرسخت جنگ آمریکا و ایران- ملاقات کند، و همین‌طور در اشیگل آنلاین خواندم که با مشاوران امنیت ملی اسرائیل و روسیه برای بحث در مورد خاورمیانه هم ملاقات کرده است.

به‌هرحال آمریکا قصد دارد روسیه را ترغیب کند تا مواضع ضدایرانی بگیرد، بالاخص در رابطه با سوریه، کشوری که نیروهای ایران و روسیه به‌عنوان حامیان اصلی رژیم بشار اسد در مقابل نیروهای صد برابر مرتجع‌تر از اسد، به‌رهبری آمریکا، کماکان در حال جنگ‌اند. اما پوتین (رئیس جمهور روسیه) در پاسخ به‌این پرسش که آیا واشنگتن و مسکو می‌توانند توافقی در مورد سوریه امضا کنند، گفت: «این توافق در مورد چه خواهد بود؟ تجارت یا منافع ما و متحدانمان، ما بر سر سیاست‌های راهبردی خود معامله نمی‌کنیم. ما می‌توانیم با شرکایمان در مورد رامحل مشکلات جدی و متفاوت به‌توافق برسیم».

پیش از اجلاس گروه بیست در ژاپن در اواخر این هفته، تنش‌ها بین آمریکا و قدرت‌های بزرگ رقیب (یعنی: روسیه و چین) حول تهدید جنگ آمریکا با ایران در حال افزایش است. چند روز پیش، معاون وزیر خارجه روسیه سرگی رابوکوف، تحریم‌های جدید آمریکا را غیرقانونی و «نشانه‌ای از سیاست افزایش تعمدی تنش با ایران» دانست. روزنامه‌ی چینی گلوبال تایمز در مقاله‌ای در همین دوشنبه‌ی گذشته نوشت: «جنگ در منطقه غیرقابل اجتناب است»؛ و از نخست وزیر مالزی ماهاتیر محمد نقل کرد که آمریکا را متهم به «تحریک» ایران کرده و هشدار داده که اشتباه محاسباتی می‌تواند منجر به «جنگ جهانی» شود. این مقاله می‌افزاید که آمریکا از ایران می‌خواهد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را کاملاً متوقف کند، موشک‌های بالستیک خود را کنار بگذارد، و تأثیر خود در منطقه خاورمیانه را کاهش دهد. اما این خواسته‌ها از طریق تحریم اقتصادی قابل دست‌یابی نیستند. «تنها راه رسیدن به این خواسته‌ها، تغییر رژیم ایران توسط آمریکا و از میان بردن نقش تاریخی و فرهنگی ایران در منطقه است».

این مقاله در پایان این‌طور نتیجه گرفت که: «مسئله نگران‌کننده این است که آمریکا متوجه این نکته نیست که حرص و آز این کشور برای هژمونی می‌تواند برای دنیا و این کشور هزینه به‌همراه داشته باشد».

سخن پایانی

رفقا! من هم همانند شما مخالف تحریم‌ها هستم؛ چراکه سیاست‌های تحریمی آمریکا و متحدانش مردم ایران را بیش‌تر از این فقیرتر و درمانده‌تر خواهد کرد. این امر تنها به‌نفع رژیم و اپوزسیون بورژوازی آن تمام خواهد شد.

من در جای‌گاه یک فعال انقلابی سوسیالیست ایرانی که از منظر ماتریالیستی، طبقاتی و انترناسیونالیستی به‌رویداهای ایران و جهان می‌نگرم، باز هم تأکید می‌کنم که تحریم‌های امپریالیستی نه تنها به‌تضعیف و فروپاشی رژیم سرتاپا ارتجاعی خلافت اسلامی (که نام جمهوری را یدک می‌کشد) منجر نخواهد شد، بلکه برعکس به‌تضعیف هرچه بیش‌تر روحیه، تحرک و توان سازمان‌یابی طبقاتی و سراسری نیروی‌کار و تمامی فرودستان جامعه منجر خواهد شد. این چیزی جز عقب راندن هرچه بیش‌تر کارگران و زحمت‌کشان نخواهد بود که پایه طبقاتی و اجتماعی سوسیالیست‌های انقلابی در هر جامعه‌ای هستند.

در ضمن برخلاف آن دسته از گرایش‌های درون چپ بین‌المللی (چه در آلمان و چه در سایر کشورها) که فقط مخالف سیاست‌ورزی‌های امپریالیستی هستند و کماکان معتقدند که باید از رژیم حاکم در ایران تحت عنوان «جبهه واحد ضد امپریالیستی» حمایت کرد، بنا به یک ضرب‌المثل فارسی، هنوز در «خواب خرگوشی» به‌سرمی‌برند؛ و کماکان این مسئله‌ی بس مهم و اساسی را درک نمی‌کنند که در عصر جهان‌گستری سرمایه‌داری و تبدیل وجه تولید سرمایه‌داری به‌وجه تولید غالب در سراسر جهان، تکرار ملال‌آور تزه‌های عصر حجری کمینترن در باب مسائل ملی و مستعمراتی و انقلابات «ملی‌دموکراتیک» یاوه‌ای بیش نیست و به‌چیزی جز خیانت طبقاتی منجر نخواهد شد.

رفقا! با تحولات بسیار عمیق، وسیع و بی‌سابقه‌ای که در مناسبات و کارکردهای سرمایه‌دارانه‌ی جهانی به‌وجود آمده، سخن از جنبه‌ی ترقی‌خواهانه‌ی کنش‌های بورژوازی در اپوزیسیون، حتی اگر با میکروسکوپ هم به‌دنبال آن بگردیم، باز هم درست مثل این است که شیپور را از سر گشادش بزنیم و توقع نوای دلنشینی از آن داشته باشیم. نه! همه‌ی ابعاد زندگی و مبارزه‌ی طبقاتی این حقیقت را نشان می‌دهند که زمانه‌ی احتمال کنش‌ها و روی‌کردهای ملی‌دمکراتیک و ترقی‌خواهانه‌ی بورژوازی به‌پایان رسیده است.

رفقا! امروزه تنها آن کنش‌ها، تلاش‌ها و گام‌هایی قابل توصیف به‌صفت ترقی‌خواهانه‌اند که اگر مستقیماً سازوکار و تبادل سوسیالیستی ندارند، لااقل بار سوسیالیستی داشته باشند و در تأیید و تقویت سازمان‌یابی مبارزات دمکراتیک کارگری که به‌طور دینامیک راستای سوسیالیستی دارند، کارآیی روشنی داشته باشند.

رفقا! من شخصاً از نسل مبارزان طبقاتی چپ ایران در سال‌های ۵۶-۵۷ هستم و اگر نمی‌دانید، به‌شما می‌گویم بخش بزرگی از چپ ایران با بیان این تزاها و با تکرار همین حرف‌ها در کنار ضدانقلاب اسلامی-سرمایه‌داری قرار گرفتند و سر بسیاری از رفقای فرهیخته خود و سایر کادرها و فعالین چپ ایران را به‌باد دادند.

رفقای عزیز! سرراست‌تر بیان کنم: این رژیم نه آنتی‌امپریالیست است، نه آنتی‌کاپیتالیست، و نه آنتی‌صهیونیست و یا هر چیزی که بارقه‌ای از ترقیخواهی داشته باشد؛ این رژیم، برخلاف ادعای بی‌معنی نه شرقی نه غربی‌اش، هم غربی است و هم شرقی؛ و برای ماندن خود بر سر قدرت حاضر است با «شیطان» هم وارد مذاکره و مصالحه شود؛ درست همان‌طور که در این چهل سال این کار را انجام داده است. بدین‌جهت سیاست‌ورزی حقیقتاً سوسیالیستی چیزی جز تدارک سرنگونی انقلابی-سوسیالیستی رژیم اسلامی-سرمایه‌داری و نیز نبرد برای جمهوری شورایی کارگران و زحمتکشان نیست. از این منظر صد البته ایستادگی و افشای مخاطرات جنگ و تحریم‌ها (که هدف مستقیم آن‌ها همین مردم کارگر و زحمتکش‌اند) و همین‌طور مقابله با کلیت سیاست‌ورزی‌ها امپریالیستی در سراسر جهان پراتیک عاجل و ضروری مختصات کنونی است. به‌بیان دیگر، پراتیک هم‌اینک ضروری چیزی جز تلاش همه‌جانبه در راستای سازمان‌یابی طبقاتی با زمینه‌ی ضدسرمایه‌دارانه توده‌های کارگر و زحمتکش نیست که در اغلب موارد از سرزمین مادری آغاز می‌شود تا در گستره‌ی دیگر سرزمین‌ها سوسیالیستی و انترناسیونالیستی بگیرد.

با تشکر از این‌که من را دعوت کرده و به‌سخن‌انم گوش دادید.

برقرارباد پرچم سرخ کمونیسم برفراز جهان!